

گفتگوی دویچه وله با  
شیرین عبادی بنده  
جایزه نوبل درباره  
نماز جمعه تاریخی ۲۶  
تیر به امامت رفسنجانی



۲

گزارش های تکان دهنده  
از کمپ کهریزک و  
اسامی بازداشت شدگان  
انتقالی به زندان اوین



۳

گزیده سخنان هاشمی  
رفسنجانی در نماز جمعه و نظر  
یک وبلاگ نویس با عنوان:  
رمزگشایی از جمله های  
طلایی هاشمی در نماز جمعه



۴

شماره چهارم - یکشنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۸۸ | صفحه اول - صاحب امتیاز: جنبش سبز ایران - سردبیر و مدیر مسئول: "رسانه شما" - تیراژ: ناشر هم شما هستید و...

در این شماره می خوانید:

۳ شادی صدر فعال حقوق زنان و بشر در راه نماز جمعه به طرزی وحشیانه و غیرانسانی ربوده شد

۲ حضور رئیس جمهور موسوی، کروی و هوادارانشان در نماز جمعه تاریخی به امامت هاشمی

۱ تعرض و ضرب و شتم کروی و حمله به عبدالله نوری در نماز جمعه به یادماندنی ۲۶ تیر ۸۸

۲ مردم به جای مرگ بر امریکا و مرگ بر اسرائیل فریاد کشیدند مرگ بر روسیه و مرگ بر چین

۳ اسامی بازداشت شدگان انتقالی از کمپ کهریزک به زندان اوین

۲ اعتراض یک روحانی به ضرب و شتم نمازگزاران: نماز جمعه تهران یا نماز جمعه مسجد الاقصی!؟

۳ اعتراضات گسترده به یک انتخاب ناخردانه / انتصاب مشائی داد اصولگرایان را نیز درآورد

۳ پلیس امنیت خانه و دفتر شادی صدر را تفتیش کرد

## پس از اسرائیل ایران نیز نمازگذاران جمعه را مورد ضرب و شتم قرار داد

در طول برگزاری نماز جمعه (۲۶ تیرماه ۱۳۸۸) در حالی که شماری از هواداران احمدی نژاد تلاش داشتند با شعارهای خود سخنان هاشمی رفسنجانی را قطع کنند، بیش از یک میلیون نفر در خیابانهای اطراف دانشگاه تهران علیه دولت احمدی نژاد، علیه سیاستهای چین و روسیه در دفاع از دولت حاکم شعار می دادند.



تاریخی ترین نماز جمعه در ایران با حضور بیش از یک میلیون نفر / مصاحبه با شیرین عبادی

نماز جمعه تهران با خطبه ها و امامت هاشمی رفسنجانی برگزار شد. در این نماز جمعه که شیرین عبادی و مردم ایران آن را تاریخی می نامند، میرحسین موسوی رئیس جمهور منتخب مردم و مهدی کروی دیگر کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری نیز شرکت داشتند.

## شعارهای مرگ بر روسیه و مرگ بر چین تهران را به لرزه در آورد

در این زمینه دویچه وله، صدای آلمان گفت وگویی داشت با شیرین عبادی، تلاشگر جهانی حقوق بشر.

ادامه در صفحه دوم

## سانسور بی سابقه خطبه ها و شعارهای نماز جمعه در تلویزیون مردم حتی برای شنیدن خطبه های نماز جمعه به امامت رئیس شورای مصلحت نظام و مجلس خبرگان نیز محرم دانسته نشدند

اینکه «لطفا آرام باشید من هم دارم همین را می گویم» نمازگزاران را به سکوت دعوت کرد اما این بخش از سخنان هاشمی در جریان مشروح خطبه های نماز جمعه به شیوه ای تردستانه سانسور شد. گفتنی است جای چند جمله از سخنان ابتدایی خطبه هاشمی رفسنجانی که در آن به شرایط ویژه خیابان های اطراف دانشگاه تهران اشاره شده بود نیز در نسخه پخش شده توسط صدا و سیما خالی بود.

جالب تر آنکه صدا سیما شعارهای نمازگزاران مبنی بر مرگ بر چین و مرگ بر روسیه را نیز سانسور کرد. سازمان تحت امر ضربامی همچنین هنگامی که آیت الله هاشمی رفسنجانی به کشتار مسلمانان توسط دولت چین پرداخت به سانسور متوسل شد. اعتراض هاشمی نسب به کشتار مسلمانان چین با شعار یکپارچه مرگ بر چین نمازگزاران مواجه شد به طوری که رئیس مجلس خبرگان رهبری با گفتن

از سایتهای خبری ایران: سانسور بخشی از خطبه های نماز جمعه تهران صدا و سیما مشروح خطبه های نماز جمعه تهران را به صورت سانسور شده و گزینشی پخش کرد. این برخورد شکفت انگیز که در ۳۰ سال گذشته بی سابقه بوده است به ویژه شامل مونتاژ شعار های نمازگزاران و جایگزینی آن با برخی شعارهای خاص بارزتر بود.

## جنبش سبز ایران همچنان شهید می دهد. این بار محمد کامرانی

پیگر شهید محمد کامرانی که پنجشنبه گذشته بر اثر جراحتهای وارد شده در زندان اوین، در بیمارستان مهر تهران از دنیا رفت، صبح امروز (شنبه) در بهشت زهرا تشییع و به خاک سپرده شد. محمد کامرانی که تنها ۱۸ سال داشت و جمعه گذشته قرار بود در کنکور پزشکی دانشگاه آزاد شرکت کند، روز هجدهم تیر در حوالی میدان ولیعصر تهران دستگیر و به بازداشتگاه کهریزک منتقل شده بود. این شهید جنبش سبز چند روز پس از بازداشت، به همراه گروه دیگری از بازداشت شدگان به زندان اوین منتقل شد. خانوادهی این شهید وقتی از محل نگهداری او خبردار شدند که یک مامور زندان اوین در جمع خانوادهی بازداشت شدگان فهرستی از اسامی افراد بازداشت شده را خواند و از انتقال آنها از کمپ کهریزک به زندان اوین خبر داد. پیگیری خانوادهی او به اینجا رسید که مطلع شدند دستور آزادی وی نیز صادر شده و به همین منظور صبح روز چهارشنبه ۲۴ تیر ماه به زندان اوین مراجعه کردند، اما در آنجا به آنها گفته شد که فرزند شما مجروح بوده و به بیمارستان منتقل شده است. وقتی این خانواده به بیمارستان لقمان رفتند، با پیگر نیمه جان محمد کامرانی روبه رو شدند که همچنان تحت کنترل ماموران بود. آنها با هماهنگی مسئولان بیمارستان و باز تحت کنترل شدید ماموران، فرزند خود را به بیمارستان مهر منتقل کردند، اما تلاش های کادر پزشکی در نهایت بی نتیجه ماند و محمد کامرانی ۱۸ ساله نیز به ندا آقاسلطان، سهراب اعرابی و دیگر شهدان جنبش سبز پیوست. پیگر شهید محمد کامرانی صبح روز شنبه ۲۷ تیر همزمان با شهادت ایام شهادت امام موسی کاظم (ع) و در حالی که او هم همانند امام نهم شیعیان در زندان به شهادت رسیده بود، در میان حزن و اندوه دوستان و خانواده داغدارش تشییع و در قطعه ۲۲۱ بهشت زهرا مدفون شد.

## حمله به نمازگزاران و تعرض به مهدی کروی و عبدالله نوری

نیروی انتظامی و نیروهای شبه نظامی و لباس شخصی دولت ایران در اقدامی بی سابقه به نمازگزاران جمعه حمله ور شده و آنان را توسط باتوم و چماق مورد ضرب و شتم قرار دادند. در این میان مهدی کروی کاندیدای ریاست جمهوری ایران نیز مورد هتک حرمت و تعرض قرار گرفته و عمامه وی به زمین افتاد. عبدالله نوری دیگر روحانی اصلاح طلب نیز در اقدامی مشابه مورد هجوم ماموران حکومتی قرار گرفت. پلیس انتظامی همچنین برای متفرق کردن نمازگزاران از گاز اشک آور استفاده نمود. گفتنی است ایران پس از اسرائیل دومین کشوری است که در آن به نمازگزاران روز جمعه حمله شده است.

## نماز جمعه تهران یا مسجد الاقصی؟!

یادداشت یک طلبه روحانی / از ویلاگ تورجان

وقتی امروز در نماز جمعه تهران هدف حمله باتوم به دستان، موتورسواران، گاز اشک آور و فحاشی های رکیک برخی برادران قرار گرفتیم، برای لحظاتی گمان کردم که در نماز جمعه مسجدالاقصی شرکت کرده ام! باورم نمی شد که به

خاطر شرکت در نماز جمعه ای که امامش رئیس مجلس خبرگان رهبری، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و امام جمعه سی ساله تهران است، هدف حمله قرار بگیرم و زخمی شوم! اگر کمک مردم نبود شاید لحظه ای که از دست باتوم به دستان فرامی گزیدم و زمین خوردم، زیر موتور تریل برادران مانده بودم! کسی موتور سوار را هل داد و عقب زد تا مرا نجات دهد. بعد هم که لطف کردند و گاز اشک آور زدند تا دیگر هوس شرکت در نماز جمعه نکنم! من در نخستین نماز جمعه ای که هاشمی پس از شکستش در

ایران آزاد خبرنگار سیاسی - شماره چهارم - یکشنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۸۸ - صفحه دوم

# تاریخی ترین نماز جمعه در ایران با حضور بیش از یک میلیون نفر و به امامت هاشمی رفسنجانی

است. زیرا آنها همواره حمایت‌گر دولت جمهوری اسلامی بودند، خصوصا در شورای امنیت سازمان ملل.

**فکر می‌کنید با انتقادهای مستقیم و غیر مستقیمی که آقای هاشمی رفسنجانی به حکومت کرد، می‌توان این را به معنای تفاهم با اپوزیسیون تعبیر کرد؟**

هم بله و هم خیر. آنچه آقای رفسنجانی گفتند، عین حقیقت است که اپوزیسیون می‌گوید. ولی این تمام حرف اپوزیسیون نیست. ازجمله آنچه همه علاقمند بودند که آقای رفسنجانی اضافه بر آنچه گفتند بدان اشاره کنند، تعداد کشته‌شدگان بود. و این که چرا افرادی که در روزهای ۲۴ و ۲۵ خرداد کشته شدند، در خیابان به وسیله‌ی مأمورین دولتی، جسد آنها را ده‌ها روز نگه می‌دارند و بعد دانه دانه تحویل خانواده‌ها می‌دهند و ازشان رسید می‌گیرند که اینها در تظاهرات کشته نشده‌اند و حق ندارند که راجع به اینها حرف بزنند و مراسم یادبود بگذارند. بنابراین آنچه آقای هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه گفته‌اند عین واقعیت بود، ولیکن تمام واقعیت نبود. واقعیت متأسفانه دردناکتر از آنچه هست که ایشان گفتند.

**آقای رفسنجانی گفته‌اند، بگذارید مردم و رسانه‌ها حرفشان را بزنند. آیا این به معنای خواست آزادی بیان است؟ آیا انتظار داشتید که آقای رفسنجانی به این گونه با صراحت صحبت بکنند؟**

خواست آزادی بیان در ایران سال‌هاست که از سوی مردم و ژورنالیست‌ها و ارباب جراید مطرح شده است. و الان بسیار خوشحالم که این خواست مورد تأیید یکی از افراد بانفوذ حکومت قرار گرفته است و بدین شیوه خواست مردم و حقانیت آنها در آزادی بیان به اثبات رسیده است. یعنی الان با شنیدن این حرف تمام

انتخابات سوم تیر ۸۴ خواند بودم. اما جمعیت به قدری کم بود که دلم برای هاشمی بیشتر سوخت! اما جمعیتی که امروز دیدم در نوع خود قابل توجه بود و نادیده گرفتن آن، خطایی بس بزرگ تر از خطاهای دیگر حضرات است. نخستین بار که جمعیت به شعار دادن پرداخت، حدود ساعت یازده و نیم بود. سعید حدادیان در حال مداحی بود و در اواسط مداحی، به رسم معمول مداحان گفت: «نالہ بزیند یا حسین!» به ناگه صد‌ها هزار نفر از مردم فریاد زدند: «یا حسین! میرحسین!» و این شعار دادن تا دو ساعت ادامه داشت و هنگام شروع خطبه

ها قطع شد. نمی‌دانم اگر برخورد شدید امروز را شکل نمی‌دادند، چه اتفاق خاصی می‌افتاد؟ مگر نه اینکه مردم پس از نماز پراکنده شدند و تنها راه پیمایی‌های پراکنده ای در مناطق دیگر شهر شکل گرفت؟ آیا می‌ارزید که به خاطر کوتوله‌هایی چون مشایع و زربیاغان و بدرپاش، برای نخستین بار نمازگزاران جمعه تهران را با باتوم و گاز اشک آور و فحاشی سرکوب کنیم؟! آیا می‌توانند با نشان دادن دختران بدحجابی که امروز در اطراف دانشگاه بودند منکر این شوند

دانستن حق مردم است

حقوق بشر در جهان هستند و از افرادی هستند که مسلمان‌ها را بی‌دفاع و بی‌گناه می‌کشند.

**در دنباله‌ی همین صحبت شما در مورد رابطه‌ی میان مردم و حکومت، آقای رفسنجانی در سخنان خودشان به حکومت نسبت به فقدان اعتماد میان مردم و حکومت هشدار دادند و خواستار این شدند که این اعتماد میان مردم و حاکمیت احیا بشود. فکر می‌کنید در این وضعیت بحرانی چنین اعتمادی قابل احیا است؟**

بله، اگر عقلانیت به خرج داده بشود و اگر به حرف مردم گوش بدهند، طبیعتا مردم هم اعتمادشان را برمی‌گردانند. برای این کار، من قبلا هم بارها گفته‌ام، چهار مسئله باید اتفاق بیفتد. درجه‌ی اول خشونت‌های دولتی باید متوقف بشود، و حال آنکه

دیدیم حتا در نمازجمعه‌ی امروز هم خشونت اتفاق افتاد و به سوی مردم بیگانه‌ی که برای نمازخواندن می‌رفتند حمله کردند. ازجمله اشاره می‌کنم به دستگیری خانم شادی صدر که در حقیقت او را دستگیر نکردند، بلکه ربودند. عده‌ای لباس شخصی بدون داشتن هیچ حکمی کشان کشان یک زن مسلمان را که به نمازجمعه می‌رفت آنچنان دستگیرش کردند که حتا روسری و لباسش از تنش بیرون آمد. این شیوه‌ی رفتار با مردم بایستی متوقف بشود. دوم، کلیه‌ی دستگیرشدگانی که بعد از انتخابات دستگیر شده‌اند، بایستی فوراً بدون قید و شرط آزاد بشوند. سوم به آسیب‌دیدگان و خانواده‌ی شهدایی که بعد از انتخابات جان خودشان را در راه آزادی از دست دادند، بایستی خسارت پرداخت بشود. و چهارم، این انتخابات باید باطل اعلام شود، و انتخابات دیگری تحت نظارت سازمان ملل متحد برگزار گردد. با این چهار شرط است که مردم اعتمادشان برمی‌گردد. هرکدام از این چهار شرط بخواهد حذف بشود، بازجای‌اما واگر باقی می‌ماند و مردم فاصله‌شان را با حکومت حفظ می‌کنند. همچنانکه تا الان هم حفظ کرده‌اند.

**با این شروطی که شما ذکر کردید، به نظر می‌آید چنین اعتمادی قابل احیا نیست. زیرا از قرار معلوم حاکمیت مقاومت می‌کند. بنابراین می‌پرسیم، آیا نظام**

که آنهاپند که همین دختران هم میهن را از آمدن به چنین مکان‌هایی ناامید کرده‌اند؟ چرا فقط فکر می‌کنند که همه باید مثل آنها باشند؟ چرا همیشه در فکر دفعند نه جذب؟! چرا برادران ما استاد فرصت‌سوزی‌اند؟ چرا فقط بلدند که جلوی پای خود را ببینند؟ چرا باید به دست نوجوانان شانزده هفده ساله‌ای که هنوز ریش در نیآورده‌اند، باتوم بدهند تا تخم تشمت و جدایی را بکارند؟ چرا حتی قادر به درک منافع خود نیز نیستند؟! و هزاران چرای دیگر .

**حکومتی دستخوش بحران شده است؟** مسلماً آنچه در ایران هست حالت عادی نیست و بحران یکی از نام‌هایش است. مردم می‌بینند که از هر فرصتی برای بیان آلام خودشان برای بیان گله‌های سالیان سال خودشان دارند استفاده می‌کنند. حکومت بایستی عاقل باشد. با چند حرکت سیاسی که به سمت مردم می‌تواند برود، می‌تواند از آنها دلجویی کند و دو مرتبه همان مردم خوب مهربان پشتیبان حکومت خواهند بود. اما آن چهار شرط باید اتفاق بیفتد.

**حالا پس از این نماز جمعه که به نظر شما نمازجمعه‌ای تاریخی بوده، فکر می‌کنید اعتراض‌ها همچنان ادامه خواهند یافت؟**

بله. چگونگی می‌شود مادری که بیش از بیست روز است به دنبال فرزندش می‌گردد و بعد متوجه می‌شود جسد فرزندش در این مدت در سردخانه بوده و به او نمی‌گفتند و منتظر بودند سروصداها بخوابد، آیا این مادر باید فراموش کند؟ چه طور می‌شود که خانواده‌ی تعداد کثیری که اعضایشان در زندان هستند، اینها فراموش کنند که عزیزانشان اسیرند؟ چه گونه می‌شود افرادی که فقط به صرف این که ما اعتراض داریم به خیابان آمدند، آنچنان کتک خوردند که استخوانشان شکسته و زخمی‌شده‌اند، این آلام را فراموش کنند؟ و چگونگی می‌شود که مردم گله‌های سالیان سال را به این راحتی فراموش کنند؟ بنابراین من به شما قول می‌دهم آنچه در ایران اتفاق افتاده است فروکش کردنی نیست. اعتراضات مردم تمام نشده است. جنبش تمام شدنی نیست. فقط رنگ عوض می‌کند. یک موقعی به صورت خیابان آمدن، یک موقعی هم به صورت شعار "الله اکبر"، یک موقع هم به صورت کمیته‌ی مادران عزادار و شیوه‌های دیگر. مردم ایران خلافت دارند. علی‌رغم سرکوب‌هایی که می‌بینند، علی‌رغم سانسورهای که هست، اعتراض خودشان را بیان می‌کنند. من خوشحالم که بگویم مردم ایران به آن درجه از بلوغ سیاسی رسیده‌اند که اعتراضات خود را بسیار مسالمت‌آمیز بیان کنند. این اعتراضات تمام شدنی نیست.

مصاحبه‌گر: داود خدابخش

تحریریه: بهرام محبی

**اسماعیل فصیح در سن ۷۵ سالگی درگذشت**  
 فرح عدالت - همسر این نویسنده‌ی پیش‌کسوت - با تأیید این خبر، به ایستنا، توضیح داد: اسماعیل فصیح عصر روز گذشته (پنجشنبه، ۲۵ تیرماه) در تهران و بیمارستان شرکت نفت درگذشت.

**استغفای غلامرضا آقازاده از معاونت احمدی نژاد و ریاست سازمان انرژی اتمی**  
 رئیس سازمان انرژی اتمی و معاون رئیس‌جمهور از سمت خود استعفا کرد. خیرنگار انرژی هسته‌یی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) در تماس با رضا استغفایش خبر داد.

**انتصاب مشایی "اد" اصولگرایان را در آورد**  
 فرارو- انتصاب اسفندیار رحیم مشایی از سوی محمود احمدی نژاد به عنوان معاون اول رئیس‌جمهور واکنش‌های بسیاری را برانگیخت. این اعتراضات عمدتاً از جناح اصولگرایی برخاست به گونه‌ای که حتی مدافع سرسخت دولت در مجلس یعنی حمید رسایی و نیز شخصیت‌هایی چون علی لاریجانی و علی مطهری به آن اعتراض کردند. خودساخته و مؤمن، دلباخته حضرت صاحب‌الزمان گفته می‌شود حضور مشایی در هیئت‌وزرا یکی از (عج) و با تعهدی آگاهانه و عمیق به خط‌نورانی خط‌قرمزهای نمایندگان برای دادن رای اعتماد به ولایت و مبانی جمهوری اسلامی و خدمت‌گزاری کاینه بوده است و یکی از دلایل انتصاب وی از سوی رئیس‌دولت دهم در جایگاهی که نیاز به می‌شناسم و طبق اصل ۱۲۴ قانون اساسی به سمت اخذ رای اعتماد نمایندگان نداشته باشد همین مسئله معاون اول رئیس‌جمهور برمی‌گزینم.»

ایران آزاد - خبرنامه سیاسی - شماره چهارم - یکشنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۸۸ - صفحه سوم

**پلیس امنیت خانه و دفتر شادی صدر را تفتیش کرد**

تاریخ: ۲۶ تیر ۱۳۸۸ میدان زنان  
 میدان زنان - در پی بازداشت غیر قانونی شادی صدر، توسط لباس شخصی‌ها که امروز - ۲۶ تیرماه ۱۳۸۸- در خیابان بلوار کشاورز و در حین حرکت وی به سمت محل نماز جمعه رخ داد، همسر وی حسین نیلچیان خبر داد که چند مامور که خود را پلیس امنیت معرفی کرده‌اند، ساعتی پیش خانه و دفتر کار وی را به دقت تفتیش کرده و اوراق و اسناد و دو کیس کامپیوتر که متعلق به دختر کوچک او و همسرش بوده است را از خانه خارج کرده‌اند. این تفتیش که ساعت‌ها به طول انجامیده است در حضور دختر ده ساله شادی صدر بوده و حتی اطاق او را نیز زیر و رو کرده‌اند.  
 سپس ماموران از نیلچیان خواسته‌اند که کلید دفتر صدر را نیز در اختیار آنان بگذارد و پس از اظهار بی‌اطلاعی وی از محل کلید اعلام کرده‌اند که خودشان به دفتر و کالت وی رفته و آن را تفتیش خواهند کرد.

نیلچیان پیش از این خبر داده بود که شادی ساعتی پس از بازداشت با وی تماس گرفته و بین کد موبایلش را در که اصل متعلق به همسرش بوده را از او ستوال کرده است. او گفته است که نمی‌تواند بگوید کجاست ولی برای پیگیری پرونده اش باید به همان مکانی که در بازداشت قبلی مراجعه می‌کرده است برود. نیلچیان می‌گوید منظور شادی دادگاه انقلاب است و حدس می‌زند که وی را به زندان اوین منتقل کرده‌اند.

نیلچیان می‌گوید که شادی صدر دچار بیماری شدید غددی و استخوانی بوده و به دلیل دردهای شدیدی که اخیراً داشته است دارو مصرف می‌کند و در حال درمان است و بنا بوده در هفته آینده تحت عمل جراحی قرار بگیرد. او اضافه می‌کند که قصد دارد فردا به دادگاه انقلاب مراجعه کرده و پرونده او را پی‌گیری کند.

**گزارش تفصیلی ربوده شدن شادی صدر در نماز جمعه**

**تیرماه سال ۱۳۸۸ حدود ساعت ۱۱:۳۰ هنگامی که شادی صدر همراه چند تن از دوستانش برای شرکت در نماز جمعه عازم بودند در بلوار کشاورز تهران به طرز کاملاً غیرقانونی و غیر انسانی دستگیر شد**

به گزارش سایت «میدان زنان»، یکی از همراهان شادی صدر درباره جریان بازداشت وی می‌گوید:  
 ما در حال حرکت به سمت نمازجمعه در بلوار کشاورز بودیم که شخصی به ما نزدیک شد و به من گفت خانم تو با ما می‌مانی بقیه برن! من و شادی با تعجب نگاهش می‌کردیم که یک موتورسوار از دور گفت: این نه اون یکی! لباس شخصی‌ها آمدند طرف شادی و هلش دادند طرف یک ماشین پژو، شادی هم که شوکه شده بود در ماشین نشست؛ من و دوستم داد زدیم چرا می‌بریدش؟ که شادی به خودش آمد و شروع به داد و هواز و کوبیدن به در کرد. دوستم در ماشین را باز کرد و ما داشتیم شادی را می‌کشیدیم بیرون ولی ماموری که داخل ماشین بود از داخل شادی را گرفته بود و می‌کشید داخل ماشین که در همین حین ماتو از تنش در آمد؛ اما دوستم دست شادی را کشید و او در حالی که بلوز و شلور تنش بود از ماشین در آمد و فرار کرد. مامورها و من و دوستم هم دنبالش می‌دویدیم. در این حال یک مامور از روبرو بهش حمله کرد و از روسریش او را می‌کشید و شادی فقط مقاومت می‌کرد برای همین هم روسریش در او آمد و شادی دوباره فرار کرد. این بار دو نفر دیگر سر رسیدند که یکی از آنها باتوم فزنی داشت. شادی را با خشونت تمام گرفتند و زدند و او همچنان مقاومت می‌کرد. ما را هم نگاهداشتند به طرفش برویم، به زور گرفته بودندش و بردند به طرف ماشین. مامور تقریباً شادی را بغل کرده بود و اصلاً حجابش برایش اهمیتی نداشت! در ماشین هم روسری را بهش ندادند و ماشین دور زد و سریع رفت. راستش هیچ کس به غیر از دوستم و من کاری نکرد، شاید آگه بیشتر بودیم نمی‌گذاشتیم این اتفاق بیفتد. شادی می‌خواست کفشش را به ما بدهد که مامور موتوری باز هم از دور داد زد که کفشش باشد. مردم همه شوکه شده بودند و فقط متحیر و هاج و واج تماشا می‌کردند. ما هیچ برگیه یا حکمی از این لباس شخصی‌ها ندیدیم و واقعا نمی‌دانیم آنها چه کسانی هستند.

**اسامی بازداشت شدگان انتقالی از کمپ کهریزک به زندان اوین پنجشنبه، ۲۵ تیر، ۱۳۸۸**

۷۵. صادق مروتی محمد	۵۰. علی جلیل وند محسن	۲۵. محمد صادق لو منصور	۱. داود منصوری اسماعیل
۷۶. مسعود بیات محمد رضا	۵۱. علی نجاری عرض الله	۲۶. امید میر امینی داود	۲. بهزاد انصاری پور نصرالله
۷۷. محمد مهدی روشناسان محمد حسن	۵۲. شهرام کردستانی بهرام	۲۷. مصطفی موسوی سید جعفر	۳. حامد زندی فر امام حسین
۷۸. آریا رنجبر شریف	۵۳. مهرداد حقی پور علی	۲۸. نادر نجفی ایوب	۴. علی داور علی عزیز
۷۹. علیرضا صفهانی رضا	۵۴. بهداد عباسی کمال	۲۹. محسن محمدی لهراسب	۵. مهرداد نوایی امیر حسین
۸۰. اشکان اسماعیلی حسین	۵۵. حمید نادری محمد باقر	۳۰. محمد فرخی یگانه عبدالحسین	۶. سامان گنجی داود
۸۱. پیمان کارگر مصطفی	۵۶. یوسف امامی عبدالله	۳۱. حمیدرضا متوسلیان امین	۷. فرامرز مفاحری احمد
۸۲. علیرضا چامپاچی محمد حسین	۵۷. سجاد نوری محمد آبادی عباس	۳۲. محمود آقا بالا زاده مسعود	۸. هادی روشن دل محمود
۸۳. مهدی شاپوری عباس	۵۸. شاهرخ شمس افشار علی	۳۳. مرتضی سهرابی علی محمد	۹. حافظ محتاج بهروز
۸۴. امیر اصغری صادق	۵۹. رحیم ترابی علی	۳۴. سید حسین بنی هاشمی اله رحم	۱۰. بهمن امیدوار حسن
۸۵. مازیار زاغی مسلم	۶۰. محسن قندانی محمد	۳۵. نادر احمدی بیژن	۱۱. امید رسولی کوبنده اصغر
۸۶. علی بخشایش مجید	۶۱. محمد ضیاء الدین	۳۶. محمد کمیل ضیاء الدین	۱۲. محمد حسن رشیدی نیا عباس
۸۷. رضا توکلی غلامحسین	۶۲. عرفان نظری احمد	۳۷. سیاوش یوسف راهی امان الله	۱۳. حافظ سلطانی حسین
۸۸. حسین صفهانی نعمت اله	۶۳. قاسم زنجیر مهرید	۳۸. شهرام صادقی فرامرز	۱۴. کریم آرش توفیق
۸۹. طاهر زینالی قنبر	۶۴. رضا احمدی وجیه الله	۳۹. ارژنگ صادقی حمید	۱۵. بابک زینالی کریم
۹۰. علی اکبر خوش اخلاق حسین	۶۵. احمد زمان پور محمد	۴۰. مجتبی رفیعی مسعود	۱۶. محمد کامرانی علی
۹۱. مسعود عزیزه اسحاق	۶۶. حامد نادری غلام رضا	۴۱. عماد یگانه محمود	۱۷. مشیر هاشمی محمدرضا
۹۲. هومن رحبی احمد	۶۷. بردیا رضایی عباس	۴۲. نادر عمره عباس علی	۱۸. علیرضا شیخ سیزودی بهرام
۹۳. سجاد عزیزه ابراهیم	۶۸. وهاب فغاری محمد علی	۴۳. اکبر طاهری محمد علی	۱۹. عبدالرضا کرمی نوری محمد
۹۴. بهنام رضایی محمد	۶۹. سعید گردعلی محمد نوش	۴۴. محمد محمد پور حیدر	علی
۹۵. قاسم اکبری ایرج	۷۰. هادی فرزین طالب	۴۵. حسین باغبان ولی الله	۲۰. محمود رجب نژاد علی
۹۶. صابر معصومی محمد حسین	۷۱. سجاد ایادی محمد	۴۶. اکبر عنایتی قیاس	۲۱. مسلم عبدی کریم
۹۷. مجتبی صادقی محمد باقر	۷۲. شهرام زحمتکش علی	۴۷. مهرداد نادم جبار	۲۲. پیمان شهناهی شهید
۹۸. حمید رضا کمالی اکبر	۷۳. محمد گل محمدی اسماعیل	۴۸. عمران میر امینی داود	۲۳. مشکات جعفری محمود
۹۹. ساعد ملک زاده علی	۷۴. مجید عابدی حسن	۴۹. علی دلیریان حسین	۲۴. اسحاق رضایی امام علی
۱۰۰. مهدی پهلوان زمان			
۱۰۱. غلامرضا طاووسی ابولقاسم			
۱۰۲. فرهاد پاسداری رحیم الله			
۱۰۳. مسعود ابراهیمی امیر			
۱۰۴. میرزا علی اکبری فضل اله			
۱۰۵. علیرضا اردلان فریدون			
۱۰۶. مهدی بهمن زاده بهمن			
۱۰۷. امید کاظمی علیرضا			
۱۰۸. امید آغکچ بور کریم			
۱۰۹. حامد دبتنی غلامحسین			

# رمز گشایی از جمله های طلایی هاشمی در نماز جمعه

۲۶ تیرماه سال ۸۸ یکی از برگزیده ترین تاریخ ایران را رقم زد. و این را ما مدیون درایت و شجاعت مردی بزرگ به نام علی اکبر هاشمی رفسنجانی هستیم. هاشمی در خطبه دوم تک جمله هایی داشت که اگر خوب به آنها دقت کنیم خواهیم فهمید که جنبش سبز ایران چنان پشتوانه ای دارد که می توان یقین داشت آینده ای جز پیروزی در انتظار آن نیست.

من برخی از این تک جمله های طلایی را اینجا می آورم تا آنها که باید ببینند، از دستشان ندهند:

۱- (امام موسی کاظم) همیشه در فشار، تحت سانسور، تحت نظر یا در تبعید یا در زندان که در آخر کار هم با اون وضع در زندان به شهادت رسیدند.

۲- خداوند انشاءالله به همه ظالمین به جنایاتی که می کنند در دنیا و آخرت عقابش رو نازل بکنه و به همه مظلومین، اونهایی که در راه حق به ظلم مبتلا می شوند خداوند صبر و اجر عنایت بکنه. ما تسلیت عرض می کنیم به همه انسانهای شیفته حق.

۳- در این خطبه ها بخاطر شرایطی که می دوند شما در اینجا و خیابانهای اطراف و کل این منطقه هست خواهش می کنم شعار ندید. (سعی در اعلام حضور معترضین در نماز جمعه)

۴- خوب الحمدلله در انتخاباتی که انجام شد و تمام شد ما خیلی خوب شروع کردیم. رقابت خوبی شکل گرفت. مقدمات خوب انجام شد.

۵- مردم امیدوار شدند به آزادی کامل در انتخابات و حضور بی سابقه ای واقعا از خودشان نشون دادند.

۶- در این شرایط که همه چیز آماده یک افتخار بزرگ بزرگ برای کشور ما بود، که این افتخار رو ما باید به مردم بدیم. یعنی این حق مردمه. مردم بودن که خوب آمدن و رکورد حضور پای صندوقها رو مردم شکستند.

۷- ای کاش اون شرایط تا امروز ادامه می داشت و امروز ما سربلندترین شرایط رو نتیجه انتخابات هم هرچی می خواست باشه در دنیا می تونستیم داشته باشیم. ولی اونجوری که می خواستیم نشد که من عرض می کنم.

۸- شما این حرفهایی که از من می شنوید از کسی دارید می شنوید که از پیش و لحظه شروع مبارزات که امام راحلمون آغاز کردند، لحظه لحظه همراه انقلاب بوده. و تا امروز. صحبت از ۶۰ ساله. ما می دونیم امام چی می خواستند.

۹- امام حتی وقتی در مبارزاتشون وقتی پیشنهادی می آمد که از اسلحه استفاده بشه، از ترور استفاده بشه یا فالن حزب همکاری بکنیم، می فرمودند اونی که من میخوام مردمند. (اشاره به ایستادن با اسلحه جلوی مردم)

۱۰- مردم اگر همراه باشند ما همه چیز داریم.

۱۱- اونی که انقلاب اسلامی بود همان راه اسلام بود. که اول مردم را با میل خودشون و اعتقاد خودشون بیارن پای کار. این هنر بزرگ امام بود که موفق شدند.

۱۲- مردم چنان آگاه شدند که اونهایی که سنشون اقتضا میکنه میدونن که مردم چطور تو خیابونها آمدن.

۱۳- همین خیابونهای پر از نیروهای حامی امام و معتقد به همراه امام کمر دولت بسیار مغرور و متکبر رژیم پهلوی رو که اون موقع از ارتجاع و شرق و غرب کمک می گرفت و بخاطر گرون شدن نفت هم انبار پولش پر بود هر کار میخواست می تونست بکنه ولی این مردم اومدن و اونچنان ابهت مردم اونهارو گرفت که ول کردن رفتن و اینجور پیروز شدیم.

**یا تبلیغات نادرست یا عمل نادرست  
صدا و سیما یا چیزهای دیکه باعث  
شد تردید پیش بیاد. ما تردید رو  
بدترین مصیبت میدونیم. (الله اکبر  
جمعیت) آقا اجازه بدید. من که  
بهتر از شما دارم میگم!**

۱۴- امام مبنای فقهی و همه چیزشون این بود که حکومت اسلامی بدون حضور مردم نمیشه.

۱۵- (روایت مستند از زبان امام که مبنای استدلال امام بود): خود علی ابن ابیطالب می فرماید که به روز پیغمبر در یکی از همان روزهایی که پیغمبر نگران روزهای آینده بود سال آخر عمرش به علی ابن ابیطالب گفته (بعد از غدیر) این ولایت مال توست. چیزی است که خدا داده به تو. بعد می فرماید اگر دیدی این مردم راضی بودند و آمدند تو رو قبول کردند و به شما این سمت رو دادند با اجماع، اجماع نسبیته البته. هیچقوت اجماع تام نمیشه یعنی به اندازه کافی لاقال اکثریتشون جمع شدن دور شما اگر آمدند شما بپذیر و متولی امر شو و کارهاشون رو اصلاح کن و ادامه بده. اگر دیدی اختلاف کردند و نیومدند اون مقداری که باید بیان با تو ولشون کن. بگذار هرکاری که میخوان بکنن بکنن. خودشون میدونن. و خداوند برای تو راهی پیدا می کند که به اهدافت برسی.

۱۶- مبنای حکومت پیغمبر این بوده ما تو جمهوری اسلامی بنا شد این کار رو بکنیم. بنا شد با این مردم باشیم. مردم هم خیلی خوب اومدن.

۱۷- از رهبری بگیرید که باید مردم خبرگان رو انتخاب کنند و خبرگان رهبری رو. یعنی مخلوق رأی مردم. (اشاره به قدرت شخص خودش در ریاست خبرگان)

۱۸- جمهوری اسلامی یک لفظ تشریفاتی نیست. هم جمهوری است هم اسلامی. (صدای الله اکبر جمعیت) قرار شد شعار ندید که من زودتر تمام بکنم. خیلی متشکر. جمهوری اسلامی یک لفظ نیست. یک واقعیتی است که از عقاید ما از قرآن ما از روایت ما از ائمه ما از پیغمبر ما به ما رسیده و ما اعتقاد داریم به این. باید این دو تا با هم باشه. مطمئن باشید اگر هر یک از این دو تا آسیب ببینه ما دیگه اون انقلاب رو نداریم. اگر اسلامی نباشه اصلا داریم به بیابان و بیراهه میریم، اگر جمهوری نباشه اصلا قابل تحقق نیست. اونجایی که مردم نباشند، رأی مردم نباشه اون حکومت اسلامی نیست به همون دلیل که عرض کردم. به همون دلایل که علی ابن ابیطالب ۱۹ سال خانه نشین بود وقتی که مردم دوباره آمدند و به قول علی ابن ابیطالب مثل یال اسب موهای یال اسب در خانه اش تراکم جمعیت بود علی ابن ابیطالب پذیرفت. حالا می پذیره با همون مشکلاتش.

۱۹- و این انتخاباتی که انجام دادیم اگر مشکلاتی درش پیش نمی آمد ما در سی سالگیمون بهترین گام بزرگمون رو در جهت تحقق اسلامی برداشتیم.

۲۰- اواخر دوران تبلیغات ما دچار تردید شدیم. (اشاره به بی عدالتیهای صدا و سیما) بعضی افرادی پیدا شدند تردید کردند. بدر تردید حالا به هر دلیل یا تبلیغات نادرست (توهین به دیگران) یا عمل نادرست صدا و سیما یا چیزهای دیگه باعث شد تردید پیش بیاد. ما تردید رو بدترین مصیبت میدونیم. (الله اکبر جمعیت) آقا اجازه بدید. من که بهتر از شما دارم میگم (یعنی صحبتهای من همسو با الله اکبر شماست).

۲۱- این تردید مثل خوره افتاد به جان ملت ما. البته خوب دو جریانن. بی عده تردید ندارند قاطعند ایستادند کار خودشون رو میکنند. (اشاره به دولت و دولتیان که توجهی به اعتراض مردم نمی کنند) به عده هستند که اونها کم نیستند بخش زیادی از مردم فهیم کشور ما و عالم کشور ما هستند میگن ما تردید داریم و برای رفع تردید اینها باید کار بکنیم. (پس از آنهمه تأکید بر اینکه تحقق حکومت بسته به مردم و آگاهی مردم است می گوید که بخش بسیار زیادی از مردم فهیم و عالم تردید دارند)

**و این انتخاباتی که انجام دادیم  
اگر مشکلاتی درش پیش نمی آمد  
ما در سی سالگیمون بهترین گام  
بزرگمون رو در جهت تحقق  
اسلامی برداشته بودیم.**

۲۲- (دشمنان) امروز باج خواهیوشون بیشتر شده و دارن جلو میان که این زحمت طولانی ما رو در به دست آوردن

های تکها و بخصوص هسته ای اینهارو از دست ما بگیرن. البته خداوند به اینها مهلت نمیده ولی اونها به هوس افتادن. ۲۳- من هیچگاه از این تریبون جنای خودم استفاده بکنم. (انتقاد از استفاده دیگران از تریبون نماز جمعه برای تأیید یک طرف)

۲۴- اون اعتمادی که مردم رو با اون وسعت وارد انتخابات کرد و امروز مقداری مخدوش شده ما این اعتماد رو بر گردونیم. این هدف مقدس ما باید باشه.

**خداوند انشاءالله به همه ظالمین به  
جنایاتی که می کنند در دنیا و  
آخرت عقابش رو نازل بکنه و به همه  
مظلومین، اونهایی که در راه حق به  
ظلم مبتلا می شوند خداوند صبر و  
اجر عنایت بکنه. ما تسلیت عرض می  
کنیم به همه انسانهای شیفته حق**

۲۵- ما باید هممون چه نظام، دولت، حکومت، مجلس، نیروهای امنیتی و نظامی و مردم یعنی به اصطلاح معترضان (صریح ترین بخش خطبه: مساوی کردن کلمه مردم با کلمه معترضان، یعنی معترضان همان مردمی هستند که اگر راضی نباشند حکومت مشروعیت ندارد) همه باید در چارچوب قانون حرکت بکنیم.

۲۶- اگر کسانی با بعضی قوانین دل خوش ندارند باید بعدا سعی کنند این قوانین اصلاح بشه و هروقت لازمه انشاءالله این اشکالاتی که دیده شده به روزی حل میشه. (احتمال قریب به یقین اشاره به قانون ولایت فقیه و نظارت استصوابی)

۲۷- بالاخره باید یک فضایی رو بوجود بیاریم که همه اطراف بتونن بیان اونجا حرفشون رو بزنن. و هرطرف منطقی بدون دعوا بدون مشاجره، منطبق حاکم باشه. البته این کار رو عمده مال صدا و سیماست که باید انجام بده که مستمعین زیادتری داره.

۲۸- این دلپش رو بگه، اون دلپش رو بگه، بالاخره مردم در این بین خودشون میفهمن. آخرشم میشه از مردم پرسید (تولویحا اشاره به تجدید انتخابات)

۲۹- متأسفانه از این فرصتی که رهبری انقلاب دادند به شورای نگهبان، ۵ روز وقت اضافه دادند و گفتند که برید عقلا رو و موجهین رو بیارید بررسی کنند اعتماد مردم رو جلب بکنیم استفاده خوبی نشد. منم الان نمیخوام بگم تقصیر کی بود که نشد. ولی نشد دیگه به هرحال (به نظر شما تقصیر کی بود که ایشون نخواست بگه؟)

۳۰- اون گذشت. از اون مرحله گذشتیم. الان مرحله دیگری است. من فکر میکنم برای آینده برای اتحاد ما برای جلوگیری از خطر نظام و برای حفظ این ارزشهایی که انقلاب خلق کرد برای این بنای باشکوهی که امام

راحل با خون این شهدا و مجاهدات مردمی که در این راه تلاش کردند و رزمندگان ما برای ما موندن نسل سوم و چهارم نسلهای بعد بمونه تو این مقطع ما می تونیم این حرکات رو بکنیم.

۳۱- در این فاصله باید کارهای دیگری بکنیم. لازم نیست در این شرایط ما افرادی رو به این نامی که الان هست (با بغض) تو زندون داشته باشیم. اجازه بدیم اینا بیان به خانواده هاشون برسن (الله اکبر جمعیت) نگذاریم بخاطر زندانی بودن یک عده دشمنان ما مارو سرزنش کنند. شامت کنند. برای ما بخندند. برای ما نقشه بکشند. ما اینقدر خودمون باید رشادت و حلم و صبر داشته باشیم که همدیگر رو تحمل کنیم. (بند یک را مجددا بخوانید)

۳۲- با آسیب دیدگان حوادثی که اتفاق افتاد باید همدردی و دلجویی بشه. اونایی که عزادارن (اشاره به شهدا و خانواده هایشان) هم به اونا تسلیت بگیم هم دل اونهارو دوباره با نظام نزدیک بکنیم.

۳۳- با سعه صدر، اینجا دیگه لازم نیست ما عجله داشته باشیم، لازم نیست خودمون رو گرفتار بکنیم (توصیه به مبارزان)

۳۴- بگذاریم رسانه هامون، بالاخره اگر این رسانه ها با معیارهای قانونی اجازه گرفتند محدودشون نکنیم. من عرض کردم ملاک قانونه. چارچوب قانونه. نه رسانه ها انتظار داشته باشند بیشتر از چارچوب قانونی عمل کنند نه نظام از اونها توقع بکنه که حق قانونیشون رو ندیده بگیرن.

**در این خطبه ها بخاطر شرایطی که  
میدونید اینجا و خیابانهای اطراف و کل  
منطقه هست خواهش می کنم شعار ندید**

۳۵- همه با هم بگذاریم یک فضای آرام آزاد انتقادی یا تأییدی هردوش وجود بیاد.

۳۶- من فکر می کنم اگر این فضا رو نیروهای انتظامی ما نیروهای نظامی ما نیروهای امنیتی ما انجام بدن ما همه عضو یک خانواده هستیم. آسیب دیده در راه انقلاب هستیم. همه جزو کسانی هستیم که در این جهاد طولانی دفاع مقدس سرمایه گذاری کردیم. هممون شهید در گلزارهای شهدا داریم. هممون جانباز تو منزل خودمون داریم. (کنایه ای هم دارد به تهمت های جناح مقابل به فرزند جانبازش)

۳۷- من امیدوارم این خطبه نماز جمعه شروع یک تحولی در آینده باشه و بتونیم از این مشکلی که میشه اسم بحران روش گذاشت متأسفانه بخوبی عبور بکنیم و دوباره شاهد همدلی و همزمنی و همراهی و رقابت سالم هرکس رو مردم خواستند اونجور باشیم. (شعار هاشمی هاشمی حمایت می کنیم و هاشمی هاشمی خدانگهدار تو)

با این بند بعید می دانم کسی با من هم عقیده نباشد که هرچه ما می خواستیم هاشمی گفت. نه تنها گفت بلکه به ما خط داد. طوری از ما حمایت کرد که در قدرت بماند و پشتیبان ما باشد.